

باشد، شمع دیگری را نمی‌توان برافروخت، تنها در مجموعه یک تمدن جهانی می‌توان روابط متقابل و مشترک نژاد انسانی را با احترام و تکریم به «انسانیت» بازسازی کرد و تنها از این راه، فرهنگ همگان می‌تواند متعالی شود. قدرت و اقتدار نظم جهانی برقرار نمی‌شود مگر آن‌که قدرت مدنی «انسانیت» در میان باشد. این اقتدار تنها از طریق استقرار ارزش‌های جهانی به دست می‌آید که برای انسان ارزشی والاتر از قدرت سیاسی و پیشرفت اقتصادی قائل شود.

بدین‌گونه وحدت خلاق در تفاوت‌های فرهنگی و تمدنی به دموکراسی و جلب مشارکت واقعی شهروندان جهانی نیاز دارد. اگر به این هدف برسیم، گفت‌وگوهای میان فرهنگی می‌توانند یک محیط جهانی به وجود آورند که در آن مجموعه‌ای از ارزش‌های بنیادی انسانی به‌طور واقعی و حقیقی توان ارتقای فرهنگ صلح را خواهند یافت.

سنت دموکراتیک بحث و مناظره آزاد، ظرفیت راه‌اندازی یک گفت‌وگوی میان فرهنگی در کشورها را بدون توسل به برخوردهای خشن داراست. به همین دلیل فرهنگ و دموکراسی جدایی‌پذیر از گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها نیست.

اگر این ضرب‌المثل قدیمی را بپذیریم که می‌گوید: جنگ مهم‌تر از این است که فقط به عهده امیر لشکران باشد، پس می‌توان گفت که گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها نیز مهم‌تر از این است که فقط آن را به عهده سیاستمداران حرفه‌ای و دیپلمات‌ها گذاشت. گفت‌وگوی جاری میان فرهنگ‌ها در جهان کنونی می‌تواند سرنوشت کل سیاره ما را از شکل یک جهان محدود و تعیین شده از پیش به شکل جهانی بی‌کرانه و مملو از مسائل تازه دگرگون کند. در این زمینه آگاهی متقابل نسبت به تفاوت‌ها، لزوماً به برخورد و ستیز نمی‌انجامد، بلکه منجر به تفاهم و درک متقابل و اراده‌ای روشن و پاک برای زندگی در صلح با یکدیگر خواهد شد. صلح در دهکده جهانی نیاز به کوشش و جست‌وجو برای برقراری یک گفت‌وگوی پخته و روشنگرانه در میان فرهنگ‌ها دارد و طبیعتاً از تحمیل جامعیت یک فرهنگ بر فرهنگ‌های دیگر بیزار است. از این‌رو، ضرورت برخورداری از تفاوت‌های فرهنگی یا به گفته «ریمون آرون» جامعه‌شناس فرانسوی، «ناهماهنگی تمدن‌ها» خود به‌عنوان یک عامل مؤثر در تضمین امر

تکثرگرایی در شیوه‌های زندگی قلمداد می‌شود. امروز دیگر دیدگاه موهوم کمونیستی از جهان‌گرایی به سر آمده است، اما نباید به جای آن دیدگاه موهوم و خیالی دیگری چون جهان‌گرایی به شیوه مک‌دونالد و میکی ماوس را جایگزین آن کنیم. امروزه جهان برای توسعه یک جامعه قومی جهانی بر پایه وحدت و هماهنگی اما متمایز از یکپارچگی و توافق بی‌دلیل، از خود اشتیاق نشان می‌دهد. باید به خاطر داشته باشیم که آموزگاران بزرگ جهان بر این نکته صحه نهاده‌اند که تفاوت‌ها در میان انسان‌ها نباید از میان بروند بلکه باید در چارچوب درک متقابل و مفاهمه پایدار بمانند و توسعه یابند. ما باید از باورها و تجارب مردم دیگر بیاموزیم. باید به این باور برسیم که تفاوت دیدگاه‌ها در فرهنگ‌ها نباید از طریق جنگ و ستیز، که خود دو خصالت جدایی‌ساز و فاصله‌اندازند، برطرف شود. باید بدانیم که از میان ستیز و برخورد، نه کسی برنده است و نه بازنده، نه پیروز و نه مغلوب. تفاوت در دیدگاه‌ها را باید در یک فرایند طولانی مفاهمه و درک متقابل از انسانیت و جلوه‌های گونه‌گون آن، به هم نزدیک کرد. ما صرفاً با تعصب محض و جهل ایدئولوژیک و یا عصبیت، چشم بسته تنها بر هستی گفت‌وگو و تمامیت انسانیت خط بطلان خواهیم کشید. اگر انسان‌ها برآنند که یک تمدن جهانی را سامان دهند، باید بدانند که این تمدن، از راه بازیابی و توسعه ارزش‌های یک فرهنگ و یا یک دیدگاه حاصل نمی‌شود، بلکه راه آن توسعه و بازیابی تدریجی و جوه مشترک میان همه تمدن‌ها، یعنی نهادها، ارزش‌ها و فلسفه و اخلاق مشترک است که باید به گونه‌ای صلح‌آمیز با یکدیگر مرتبط شوند.

اگر بتوانیم حتی تا اندازه‌ای در ایجاد ضرورت گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها موفق باشیم، این اصل سیاست عملی خود نقطه عزیمت درخشانی برای تأمین صلح بین‌المللی خواهد بود. ما انتخاب دیگری نداریم و اگر بخواهیم ارزش‌های مشترک خود را حفظ و کامل کنیم، باید دربارهٔ یکدیگر بیش‌تر بیاموزیم. اگر موفق شویم، می‌توانیم فضایی برای عرصه سیاست‌های جهانی شمول‌آماده کنیم که در آن آموزه‌های میان‌فرهنگی جایگزین فرهنگ توده‌ای جهانی خواهد شد. این ضرورت، نه رنگ و بوی غربی خواهد داشت و نه شرقی. گفت‌وگوی

میان‌فرهنگی به معنای یادگیری برای درک تفاوت‌هاست و نه انکار آن‌ها از طریق اتخاذ دیدگاه‌ها و روش‌های ضد غربی و یا ضداسلامی و یا ضدبودایی. به کسانی که بیشتر تفاوت‌های تمدن‌های شرقی و غربی را برجسته می‌کنند، تنها یادآوری می‌کنیم که محمد اقبال لاهوری دربارهٔ روابط متقابل اسلام و غرب چنین می‌گوید: برجسته‌ترین پدیده در تاریخ مدرن همانا شتاب سرسام‌آوری است که جهان اسلام در رویکرد و نزدیکی فکری با غرب گرفته است. این فرایند خطا نیست. نباید فراموش کرد که آشنایی با ارسطو از طریق ایرانیان و اعراب صورت گرفته که نخستین کسانی بودند که با فلسفه او آشنا شدند. برای ما لازم است که هم‌اکنون گفت‌وگوی میان شرق و غرب را آغاز کنیم و نمایم تا آنگاه که دیر شود. اگر زمان این اقدام، یکی و جز آن فرصت دیگری نباشد، همانا که هم‌اکنون است. گفت‌وگو امر آسانی نیست. به‌ویژه در آن هنگام که جهان به خاطر وجود جنایتکاران و دزدانی که از ما به خاطر میل در توافق و اتحاد پیرامون تفاوت‌ها تنفر دارند و نیز در معرض فسادهای مالی و سیاسی، جایی ناامن و خطرناک می‌شود. دشواری گفت‌وگو بسیار بیش‌تر خواهد بود. این امر به‌واقع روح دیگر و شکل دیگری برای مبارزه می‌طلبد. این شکل نمی‌تواند محل نمایندگان قدرت نظامی و خشونت سیاسی باشد، بلکه شکلی است که حاوی گرایش به تحکیم و تقویت بحث‌ها و رعایت پیچیدگی‌ها و تفاوت‌ها، احترام و تکریم انسانیت و عشق به دانش و حقیقت است.

گفت‌وگو پس از ۱۱ سپتامبر^۱

این نظر که آیا رخداد حمله تروریستی یازدهم سپتامبر جهان را دگرگون کرده یا نه، در ۱۲ ماه گذشته به‌طور عام با سکوت و اکراه روبه‌رو بوده است، اما این‌که جهان درست و تا چه اندازه بر این اثر دگرگون شده است، هنوز پاسخ روشنی برای آن نیست. اما دست‌کم یک چیز تغییر کرده است. رسانه‌های امریکای شمالی نسبت به مفهومی چون «اسلام» دچار احساس عقده و کم‌بینی شدند. این مفهوم، در قاموس کم‌بضاعت و ناآگاهانه آن‌ها تاکنون تنها یک معنا داشته و آن: تهدیدی برای نظام دموکراسی در جهان غرب بوده است. بسیاری کسان هستند که در غرب، جامعه‌های مسلمان را متهم می‌کنند که این جامعه‌ها از دموکراسی متنفرند و با ارزش‌های سیاسی غربی مخالف‌اند. واقعیت آن است که حمله تروریستی یازدهم سپتامبر، گرچه علیه امریکا سازماندهی شده بود، اما حمله به آن دسته ملت‌های مسلمان که پایبند به رواداری، تکرگرایایی و مردم‌سالاری بودند نیز محسوب می‌شود. امروزه چالش واقعی رودرروی جامعه مسلمانان علیه خشک‌اندیشی‌ها و تعصب‌گرایی‌های مذهبی آن است که چگونه به امر توسعه و دگرگونی‌های دموکراتیک و جهت‌گیری به‌سوی مدرنیته و نوگرایی در درون جهان اسلام یاری برسانند. اگر بپذیریم که دموکراسی یک ارزش جهانی

است و به همهٔ انسانیت تعلق دارد، پس باید راه‌هایی برای سازش دادن دموکراسی و دین اسلام اندیشه کرد. این فرایند نیازمند توسعه از بنیادها است. این چالش می‌تواند برای طیف گسترده‌ای از فعالان اجتماعی و اندیشمندان مسلمان فرصت همکاری و پیوند با یکدیگر برای بازیابی چاره‌ها و تمهید جایگزین‌های خشونت‌پرهیزانه در پهنهٔ مسائل امروزین فراهم نماید. اما نومیخانه، عمده نیروهای موجود برای فرایند مردم‌سالاری در کشورهای مسلمان روی قابلیت مفروض دموکراتیک کردن سازوکارهای بازار متمرکز شده است. بدیهی است که برای گذار دموکراتیک در کشورهای مسلمان، به مسائلی بیش از سازوکارهای بازار نیاز است. باید امر استقلال جامعهٔ مدنی و خشونت‌پرهیزی تحت لوای قانون به مرتبهٔ ضرورت برسد. حاکمیت دموکراتیک نیازمند آن است که امر سازگاری با هتجارها و روال‌های حل چالش‌های دموکراسی توسعه یابد. اما کنش خشونت‌پرهیزی در جامعه‌های مسلمان به ویژه، بستگی به درک خشونت‌پرهیزی در جهان رو به جهانی شدن ما به طور کلی دارد. خشونت در جهان امروز یکی از چالش‌های جهانی رودرروی ماست.

جان گری، استاد دانشکدهٔ اقتصاد لندن، در رابطه با رویداد یازدهم سپتامبر اعلام کرد که «عصر جهانی شدن به سر آمده است.» دیدگاه او در میان بسیاری از مفسران بازتاب یافت. بسیاری، واقعه یازدهم سپتامبر را به مثابه آخرین میخ بر تابوت جهانی شدن ارزیابی کردند. درست است که شاید ژرف‌ترین آسیب ایدئولوژیک یازدهم سپتامبر بروز این عقیده بود که جهانی تر شدن الزاماً امن‌تر نیست، اما فرایند جهانی شدن اکنون پیش روی ماست و ما با چالش‌های متعدد آن رودررویم. مشکلات رو به افزایش جهانی خود دربردارندهٔ چالش‌های اسف‌انگیزی است. فهرست کارهای پیش روی فرایند جهانی شدن، هیچگاه تا این اندازه نگران‌کننده نبوده است. مدافعان و مخالفان جهانی شدن هر دو می‌کوشند از جهانی شدن تعریفی در قالب گرایش‌های خود ارائه کنند. درحقیقت، جهانی شدن دربردارندهٔ بافت تراکمی از روابط متقابل است که از سطوح بدیهی (شیوع بیماری) تا سطوح دقیق و پیچیده (رواج اندیشه‌ها)

تفاوت می‌کنند. برخی، در تعریف جهانی شدن دیدگاهی عام‌تر را پذیرفته‌اند که می‌گوید این فرایند جلوه دیگری از وظایف شرکت‌های چندملیتی است. نزد برخی دیگر چون استنلی هافمن، اندیشمند سیاسی در دانشگاه هاروارد، جهانی شدن تنها جنبه اقتصادی ندارد، بلکه دارای جنبه‌های سیاسی و فرهنگی نیز هست. طبق نظر هافمن، جهانی شدن فرهنگی از انقلاب فناوری ریشه می‌گیرد. او تأیید می‌کند که «جهانی شدن در واقع تنها سرجمع فنونی است که در اختیار دولت‌ها و عاملان خصوصی است.» او درباره جهانی شدن سیاسی معتقد است که این وجه با دو پدیده مشخص می‌شود: یکم آن‌که برتری امریکا و مؤسسات خصوصی یک ویژگی حکومتی نیست و دوم آن‌که کاملاً ملی هم نیست. خوشبختانه این امر درک واقع‌گرایانه و پخته‌تری را به ما ارائه می‌کند.

چگونه می‌توان خانه جهانی را برای یک زندگی بهتر مهیا کرد؟ این پرسش برای ما جنبه‌ای محوری دارد و پاسخ آن، به یک شیوه اندیشه نیاز دارد که بتواند چالش‌های نوینی را که در جهان شتابان ما بروز می‌کنند، مدیریت کند و در عین حال برای مردمی که دارای ارزش‌های متفاوتند، از نظر اخلاقی درست و از نظر فلسفی قابل پذیرش باشد. به سخن دیگر، ما ضمن توجه به محدودیت‌های عمده جهان، باید در حل این مشکلات در چارچوبی به نام «جهانی شدن» اخلاقی بکوشیم. منطق جهانی شدن اخلاقی برای کنش‌های مؤثر در سطح بین‌المللی بسیار مؤثرتر از جهانی شدن سیاسی و یا اقتصادی است. منطق جهانی شدن اخلاقی در واقع منطق صلح و دموکراسی است. درست است که خواست و میل به صلح، دموکراسی، عدالت و آزادی‌های بنیادی همواره در مراحل مختلف تاریخ مشترک‌مان با ما بوده است، اما در جهان به هم پیوسته و مرتبط کنونی، جامعه بین‌المللی باید بهتر از این‌ها عمل کند و بی‌گمان می‌تواند که بهتر عمل کند. تجارب ما از همیاری‌ها و یا اعمال خشونت‌ها در سده گذشته همراه با بسیاری موفقیت‌ها و شکست‌ها بوده که خود زمینه‌ای است برای آن‌که بتوان جامعه مدنی جهانی را با کمک این تجارب بنیاد کرد. آموخته‌های ما بسیار است، اما هنوز از ارتباط یک کشور با کشوری دیگر چندان نیاموخته‌ایم. امروزه

شرایط دگرگون شده و متفاوت‌اند. امکانات آزادتر و سریع‌تر در مرزها نه تنها سبب ایجاد راه‌های خوب برای حمل و نقل، تجارت و امور مالی شده‌اند، بلکه محصولات سمی و کشنده چون تروریسم، پخش بیماری‌های عفونی، فساد مالی و آلودگی نیز تولید کرده‌اند. برخی مسائل ملی چون فقر، کار کودکان و حقوق بشر مبدل به مسائل اخلاقی بین‌المللی می‌شوند. همچنین، فناوری‌هایی که می‌توانند توده‌های انسانی را به یکباره نابود سازند، امروزه جهان را با مجموعه‌ای از مسائل اخلاقی روبه‌رو کرده‌اند. بسیاری بر این باورند که علم‌گرایی و بازارگرایی مبدل به اشکال مسلط قیومیت بر جامعه معاصر شده‌اند. هواداران این نظر، بر برتری اخلاقی عقل علمی و بازاری معترف‌اند. این دعوی عقلی در کنش‌های کسانی که بازار را در دست دارند و آن را سازمان می‌دهند، بازتاب می‌یابد. اما ایمان به علم و بازار به‌عنوان راه‌حلی در تدارک یک جامعه بسامان‌تر برای ما، بر پایه یک اعتقاد اثبات‌نشده مبنی بر وجود جامعه‌ای متبلور از امیال فناوران استوار است.

چالش اخلاقی سده بیست‌ویکم آن است که محصولی به وجود آید که بتواند دانش و اخلاق را در سطحی پیشرفته‌تر از فضیلت و عدالت جمعی، درهم ممزوج و مدغم کند. در سده تازه برآمده بیست‌ویکم و در راه دنیایی کردن همه امور زندگی، برخی مسائل اجتماعی جدید در سطح جهانی بروز کرده‌اند که اغلب با امر نهادینه کردن خشونت‌پرهیزی و مسائل مردم‌سالاری درگیرند و چالش دارند. اگر تحلیل اریک هابز باوم را درباره پایان سده بیستم به‌عنوان «عصر نهایت‌ها» بپذیریم، باید دهه نخست سده بیست‌ویکم را «عصر وگرایی‌ها» بنامیم که شاخصه آن، تشدید فعالیت‌های سرمایه‌داری، بحران جهانی و نیز آگاهی متقابل از اختلافات و تفاوت‌ها است. در این فرایند دگرگونی‌های پویا که حاوی ارزش‌ها نیز است، آگاهی متقابل از تفاوت‌ها نه تنها الزاماً منجر به برخورد تمدن‌ها نخواهد شد بلکه از سوی دیگر، به درک متقابل جامعه‌ها و اراده‌های روشن برای زندگی صلح‌آمیز با یکدیگر کمک می‌کند.

درست است که ما با گسترش انواع و اشکال خشونت در جامعه‌های معاصر از جمله تخطی‌های زیست‌محیطی، محروم‌سازی‌های اجتماعی، خشونت‌های

جنسی، نژادپرستی و گسترش خشونت در مدارس روبه‌رویم، اما خشونت به‌عنوان یک مسئله نوین جهانی، خود واکنش‌هایی جدید و فلسفه‌هایی نو در خشونت‌پرهیزی برانگیخته است. سده بیست‌ویکم، همچنین شاهد گسترش طرح‌ها و برنامه‌های بازسازی از خشونت در جهان ما است که به‌عنوان جایگزین‌ها و راه‌حل‌های نو در تضمین حقوق جهانی شهروندان قلمداد می‌شوند. ما عملاً در دوره‌ای از برنامه برای «جهان ممکن دیگر» قرار داریم. جهانی که در آن، امر جست‌وجو برای یافتن زمینه‌ها و ارزش‌های مشترک اهمیت بیش‌تری از تحمیل جهان‌گرایی یک فرهنگ بر دیگران یافته است. ضرورت حکم می‌کند که در رویارویی مشترک با چالش‌های بزرگ آینده بشری، جایی برای جدایی‌خواهی وجود نداشته باشد. مسائل جهانی راه‌حل‌های جهانی می‌خواهند و لازمه این امر درک بهتر از همدیگر است. اگر جداً برآنیم که ارزش‌های مشترک‌مان را حفظ کنیم، در این صورت راه و گزینه دیگری جز یادگیری از همدیگر نداریم. اگر موفق شویم، عصری تازه از سیاست جهانی مسئولانه برپا خواهد شد که در آن، آموزه‌های میان‌فرهنگی جای فرهنگ توده‌ای جهانی را خواهد گرفت و اگر بتوانیم تنها تا اندازه‌ای در اثبات وجوب گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی و قاعده سیاست‌های عملی موفق شویم، این خود نقطه عزیمتی درخشان برای تأمین صلح بین‌المللی است. آمیتای اتزیونی می‌گوید: «مسئله این نیست که مردمی منطقی به درک این ضرورت می‌رسند بلکه مسئله این است که مردمی با دیدگاه‌های واگرا و گونه‌گون زمینه‌هنجاری مشترکی می‌یابند.» گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها به معنای آموختن برای درک تفاوت‌ها است نه انکار آن‌ها از طریق گرایش‌هایی چون ضدغربی، ضداسلامی و یا ضدبودایی. درک و مفاهمه بهتر از علقه‌ها و بستگی‌های مشترک مردم، به ما کمک می‌کند تا بتوانیم چیزها را از طریق سخن‌گویی (لوگوس) روشن‌تر ببینیم. به عبارت دیگر، پنهان‌ها را آشکار سازیم و زمینه‌ها و یا بنیادهای تمدن خود را روشن کنیم. در این صورت، وظیفه گفت‌وگوی میان‌فرهنگی آن است که از نظر فلسفی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی همه آن‌چه را که میان ما مشترک است و می‌توانند به گونه‌ای صلح‌آمیز در کنار هم باشند، روشن سازد. اگر

انسان‌ها برآنند که یک تمدن جهانی داشته باشند، باید بدانند که این امر به تدریج و از طریق بازیابی و توسعه این مشترکات امکان‌پذیر است. تنها در این صورت است که اندیشیدن برای ساختمان یک جامعه مدنی جهانی با شاخصه‌ی بازآفرینی اشکال همبستگی و بازراری و امحای هرگونه اشکال خشونت اجتماعی، میسر خواهد بود. نتیجه‌ی درست این فرایند آن است که خشونت هرچه بیش‌تر و بیش‌از پیش از مشروعیت خواهد افتاد و مبارزات اجتماعی و فرهنگی بیش‌تر در بستر عرصه‌های خشونت‌پرهیز رخ خواهند داد.

این فرایند خشونت‌پرهیز، باید بر پایه‌ی یک فلسفه تمدن‌پی‌ریزی شود. در این‌جا ما باید دوباره به گاندی و اندیشه‌های او درباره‌ی تمدن روی بیاوریم. از منظر اندیشه‌های گاندی، جهانی‌شدن گرچه یک فرایند تمدنی است اما صرفاً همه‌اش این نیست. تمدن از نگر گاندی موضوعی روحی و یا معنوی است و نه یک فرایند مادی. گاندی پیش از هرچیز، تمدن را به‌مثابه یک دستگاه اخلاقی تعریف می‌کند. او خود چنین می‌گوید که «تمدن نوعی رهنمود است که راه وظیفه‌شناسی را به انسان می‌نمایاند.» گاندی با تعریف تمدن در چارچوب اخلاق، علیه بینش بنیادی غرب مدرن که به‌زعم او، به گونه‌ای ژرف بر پایه‌ی دو اصل «قدرت حق است» و «بقای اصلح» بنا شده است، می‌ایستد. به سخن دیگر، هدف گاندی آن است که مفهوم تمدن را در قالب «دارما» (مفهومی مبتنی بر نظم و کیفیتی از روح و وظیفه‌شناسی در برابر بشر) احیا کند. در این کار او قصد دارد از طریق بازتعریف مفهوم خودفرمانی در قالب خود-تحقیقی به این مقصود برسد. از نظر گاندی ماهیت دارمایی تمدن در جهان ما از میان رفته و فراموش شده است، زیرا جست‌وجویی برای حقیقت صورت نمی‌گیرد. آن‌چنان‌که می‌دانیم، گاندی بر این باور است که حقیقت عملاً همانا روح جست‌وجوی حقیقت است. اگر این مفهوم وارد زندگی انسان شود، او به تجربه حقیقت خواهد پرداخت. گاندی این تجربه از حقیقت را همانند زندگی در خانه‌ای می‌داند که در و پنجره‌هایش به روی همه مردم جهان با فرهنگ‌های متفاوت باز است. او به نقل ادعیه ریگ‌ودا می‌گوید: «باشد تا بادهای خجسته از سراسر جهان به خانه من وزیدن گیرند.» بنابراین، فرایند تمدن اساساً به معنای «بازبودن و شفافیت

در برابر دیگران است». اما در عین حال، شخصیت‌پردازی از راه زندگی در چارچوب یک برنامه اخلاقی نیز معنا می‌دهد. از دیدگاه گاندی، زمانی که یک تمدن به جهت معنوی در معرض حقیقت قرار گیرد، همه تمدن بشری را با خود به این سطح می‌رساند و اگر یک تمدن از لحاظ اخلاقی سقوط کند، در واقع همه جهان را با خود به ورطه سقوط می‌کشاند. در این رابطه، گاندی به ما تأکید می‌کند تا از محدوده یک تمدن پا را فراتر بگذاریم و به سعادت همه جهان بیندیشیم. او بدین منظور یک هیئت حاکمه جهانی را پیشنهاد می‌کند که استقلال و برابری هر ملت را به رسمیت بشناسد. از نگر گاندی، قانون طلایی همانا دوست‌بودن با جهان و دانستن کل خانواده انسانی همچون اعضای یک پیکر است. به سخن دیگر، گفت‌وگو و حقیقت باید همچون راهی باشند که در آن انسان‌ها با زندگی مشترک و شانه‌به‌شانه، به سوی آینده گام برمی‌دارند. لازمه حقیقت‌جویی، گفت‌وگو میان فرهنگ‌های گونه‌گون است، اما در همین حال، هدف گفت‌وگو نیز حقیقت است. بنابراین، یک گفت‌وگوی متمدنانه باید بر پایه یک فلسفه ناخودمدار برای رویارویی یک سنت با دیگر سنت‌ها، نمودهای فرهنگی و نظام‌های ارزشی مختلف و نیز شیوه‌های زندگی گونه‌گون بنا گردد. کوتاه آن‌که، یک تمدن هنگامی می‌تواند خود را به‌طور کامل توسعه دهد که بتواند با تمدن‌های دیگر ارتباط برقرار کند. من بر این باورم که این رویکرد دو منطقی در اندیشه گاندی تنها جایگزینی است که می‌تواند جای منطق سلطه و برخورد را بگیرد. همچنان‌که می‌دانیم، منطق سلطه و برخورد محور آیین اندیشه نظم نوین جهانی است و پارادایم ضمیمه آن، تهدیدهای مفروض برای امنیت بین‌المللی را از ناحیه برخورد تمدن‌ها می‌داند.

ساموئل هانتینگتون، در تابستان ۱۹۹۳ کتابی با عنوان برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی به چاپ رسانده و در آن کوشیده است تا ماهیت روابط جهانی پس از دوران جنگ سرد را پیش‌بینی کند. او عنوان داشته که ستیزهای آینده ایدئولوژیک نخواهند بود، بلکه فرهنگی‌اند و نیز تمدن‌ها، که به‌زعم او عمده‌ترین گروه‌های فرهنگی مردم در زمینه‌های دین، تاریخ، زبان و سنت هستند، خاکریزهای ستیز در جهان آینده را تشکیل خواهند داد.

هانتینگتون یکی از آخرین کسان از نسل پرشمار فیلسوفان و مورخینی است که برای تمایز میان تمدن‌ها اندیشه‌پردازی کرده است. یکی از نمونه‌های برجسته اندیشه جدایی و تمایز میان تمدن‌ها در کتاب اسوالد اسپنگلر با عنوان *فروگاهی غرب* بازتاب یافته است. هانتینگتون به‌خلاف اسپنگلر تمدن‌ها را همچون فرایندهایی می‌داند که از ظهور تا سقوط تکامل می‌یابند و مسیر رشد آن‌ها تا سقوط نهایی، بی‌وقفه و بدون افت‌وخیز است. اما از منظر نگرش گاندی، خطای هانتینگتون آن‌جاست که او درک نادرستی از تمدن و محدوده‌های آن داشته است. برای درک پیچیدگی‌های روزافزون تمدن باید دانست که تمدن‌ها امروزه بیش از پیش در فراسوی مرزهای ملت-دولت‌ها گسترش می‌یابند و در عین حال تک‌گرا، ایستا و تک‌بعدی نیستند. اتفاقاً واگرایی در درون و میان تمدن‌ها را باید حفظ کرد و ارتقا داد تا از این راه بهتر بتوان یگانگی انسانیت را تأمین نمود. اغلب تمدن‌ها ترکیبی از عناصر مستقل و عناصر وام‌گرفته از بسیاری تمدن‌های دیگرند که مردم آن‌ها، هر کدام برای خود دارای یک خود مشخص‌اند که هویت آن‌ها را تشکیل می‌دهد. مشکل اصلی نظریه هانتینگتون در این باور اوست که همه فرهنگ‌ها را قطعاتی تک و جدا فرض می‌کند که به‌همین دلیل در صدد برتری جویی می‌افتند، اما فرهنگ‌ها می‌توانند به جای برتری جویی، در مرتبه احترام و همزیستی باشند. می‌توان به جای آن‌که تئونه‌گونی تمدن‌ها را انگیزه روابط ستیزه‌آمیز دید، آن را به‌عنوان منبع تجاربی برای تکمیل تمدن خود دانست. این رابطه و گفت‌وگو میان جامعه جهانی کمک بزرگی در از میان برداشتن کم‌تحملی، تعصب و پیش‌داوری و جهل و ستیز است و از این راه تمدن‌ها می‌آموزند که به جای تحمل اجباری، همدیگر را بهتر درک کنند.

از دیدگاه گاندی، باید تعهدی برای شنیدن یکدیگر به بار آید. به گونه‌ای که بتوانیم مرزهایی که باعث جدایی میان ما شده‌اند پشت سر بگذاریم. عبارت «گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها»، که در واقع باید آن را فرایند شنیدن و آموختن در میان تمدن‌ها دانست، بر پایه روند جست‌وجو برای حقیقت استوار است. دهکده جهانی، جهان صرفاً گفتن و تک‌گویی نیست. بلکه جهان شنیدن و

آموختن در فرایند گفت‌وگو است. گفت‌وگوی میان تمدن‌ها باید بتواند ما را در پیگیری اهداف والاتری چون رواداری، صلح و خشونت‌پرهیزی تجهیز نماید. البته گفت‌وگو آسان نیست. حتی دشوارتر از آن، تدارک و گشودن راه تمدن‌ها به روی یکدیگر است. اما باور داشتن به گفت‌وگوی میان تمدن‌ها، خود راهی به امیدواری‌ها است: امید بر این‌که در جهانی زندگی کنیم که در آن دلگرمی‌های نوینی در هر ملت و فرهنگ به وجود آید و سطح یکپارچگی و یگانگی فرهنگی را بالاتر ببرد. این چالش جدید، از دیدگاه گاندی از راه «مسئولیت‌پذیری» قابل حل است. او مسئولیت را به معنی «کسب قدرت از سوی شماری اندک» نمی‌داند، بلکه آن را «کسب قابلیت از سوی همگان برای مقاومت در برابر قدرتی که می‌خواهد از اختیارات خود سوءاستفاده کند»، می‌شمارد. به سخن دیگر، از دید گاندی، پارادایم گفت‌وگو میان تمدن‌ها نیازمند آن است که ما از میل به قدرت و انحصارخواهی دست بکشیم و اصل «جهان‌گرایی» را توسعه دهیم. البته شعار «جهان‌گرایی» نباید تبدیل به بهانه‌ای برای تخریب غنای واگرایی و یا اندیشه‌ها و دستاوردهای تمدنی در میان نژادهای انسانی بشود. نباید به یکسان‌سازی و استانداردکردن فرهنگ‌های جهان دست ببریم، بلکه در فرایند گفت‌وگوی تمدن‌ها، باید تقویت مخرج مشترک ارزش‌ها و اصولی که کل انسانیت ما بر پایه آن‌ها استوار است، مد نظر باشد. گفت‌وگو باید بتواند همه جنبه‌های وحدت‌بخشی را که با سرنوشت انسان پیوند دارند، در تمدن‌های ما شناسایی کند و در عین حال، جنبه‌های متمایز تمدن‌ها را که موجب اصالت آنند و بر کلیت غنای انسان می‌افزایند، حفظ و نگهداری نماید.

رستگاری جهان ما از راه ابتکار سازوکارهای همزیستی به وسیله فناوری نظم جهانی حاصل نمی‌آید. تنها راه، همانا یافتن روحی تازه و صفاتی نو برای گفت‌وگو و همزیستی است. مفهوم تمدن از دید گاندی، در هنگامه این شتاب دیوانه‌وار و آلوده به خشونت ما، در انتظارگوشی شنوا و دیده‌ای بی‌با شکیبایی می‌ناید. در هزاره جدید، ما به یک پارادایم تمدنی تازه نیاز داریم که با سنت‌های معنوی و اخلاقی ما سازگارتر باشد. اگر بتوانیم چنین الگویی را توسعه دهیم،

آن‌گاه خواهیم توانست جرثومهٔ خشونت و حقیقت‌ستیزی را از عرصهٔ زندگی پاک کنیم. اگر بنا باشد یک تمدن جهانی و دموکراتیک پدیدار شود و پایدار بماند، باید در پی جایگزین‌های خشونت‌پرهیزانه‌ای باشیم که در سایهٔ وجود آن‌ها جنگ و هرگونه ستم و زور بر افراد و دولت-ملت‌ها از میان برخیزند. ما باید به چالش خود با پندارهای سنتی پیرامون لزوم وجود خشونت برای مبارزه با بی‌عدالتی و ستمگری و برقراری رفاه و سعادت اجتماعی ادامه دهیم. با آغاز زندگی در نخستین دهه از هزارهٔ سوم، ضرورت بازیابی دانش و تجربهٔ گاندی پیرامون خشونت‌پرهیزی و به‌کارگیری آن در سیاست، اقتصاد و علوم بیش‌تر احساس می‌شود.

وظیفه و مسئولیت ما در آن است که مواظب باشیم تا سازوکارهای جهانی شدن بدل به علت‌هایی قوی‌پنجه در توجیه نابرابری تمدن‌ها و یکسان‌سازی جهان ما نشوند. حتی اگر مفهوم پرهیز مطلق از خشونت گاندی را نپذیریم (همچنان‌که بسیاری از منتقدان آن را به‌عنوان مفهومی غیرعملی و حتی غیراخلاقی می‌دانند)، اما دست‌کم می‌توانیم به‌مدد آن پیامدهای واقعی خشونت را بشناسیم و به رؤیاهای گاندی پیرامون فرایند خلع سلاح و صلح‌آمیز بین‌المللی بیندیشیم که در صدد حل مناقشات جهانی از راه خشونت‌پرهیزی و به دور از راه‌حل‌های نظامی است. ما نیز می‌توانیم همانند فیلسوف فقید جودیت شکالر، سرنوشت قربانیان خشونت را به‌عنوان یک سرمشق و نقطهٔ عزیمت برای دیدگاه‌های فلسفهٔ سیاسی خود برگزینیم. می‌توانیم از گاندی بیاموزیم که چگونه با پایمردی و راست‌اندیشی با این مسائل روبه‌رو شویم.

رویداد غم‌انگیز یازدهم سپتامبر به ما نشان می‌دهد که خانهٔ جهانی ما با اشکالی از خشونت‌های هول‌انگیز، که در اختیار آرمان‌گرایان متعصب در سراسر جهان قرار دارد، روبه‌روست. اما این حادثه درعین حال نیاز به یافتن راه‌هایی برای تعریف دوباره‌ای از جهان و درک مسائل آن را به ما گوشزد می‌کند.

گفت‌وگو آسان نیست و در این هنگامه که جهان در شرایطی خطیر است و در تهدید تروریست‌ها، آدم‌کشان و تبهکارانی قرار دارد که از وحدت و توافق ما

روی اختلافات تنفر دارند، حتی دشوارتر نیز خواهد بود. درحقیقت این‌جا ما به یک روح دیگر و شکل دیگری از مبارزه نیاز داریم؛ نه آن نوع مبارزه‌ای که به قدرت نظامی و خشونت سیاسی ببالد، بلکه از آن دست که به قدرت در گفت‌وگو و درک پیچیدگی‌ها و نیز تواضع و عشق در برابر حقیقت اعتقاد دارد.

یک‌بار دیگر یادآور می‌شویم که مدل آینده جهان نمی‌تواند مدلی از نوع برخورد و مناقشه فرهنگ‌ها، بلکه باید از نوع گفت‌وگو و همیاری میان فرهنگ‌ها باشد. برای جهان ما، زمان آن فرارسیده که یک‌بار دیگر به گاندی و مفهوم بهینه‌او از تمدن، یعنی «بالاترین شکل اخلاقی»، روی بیاورد تا بتواند بر چالش‌های گریبانگیرش فایق شود. اگر قرار است جهان ما بر تهدیدهایی که بر بالای سر او می‌چرخند چیره شود، ما باید در فرایند گفت‌وگوی تمدن‌ها نخستین جلوه این مسئولیت نو را به چشم ببینیم.

Reza.Golshah.com
www.KetabFarsi.com

نشر نی منتشر کرده است:

فلسفه • فلسفه سیاسی

نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت (تومان)
از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم	لارنس کهرن / گروه مترجمان	۶۵۰۰
انسان پاره‌پاره	نیکلا گریسالدی / عباس باقری	۱۲۰۰
اندیشه عدم خشونت	رامین جهانبگلو	۷۵۰
ایران روح یک جهان بی‌روح	میشل فوکو / نیکو سرخوش، افشین جهاندیده	۱۲۰۰
تأملات دکارتی (مقدمه‌ای بر پدیدشناسی)	ادموند هوسرل / عبدالکریم رشیدیان	۲۰۰۰
تأملات هگلی (درس‌هایی درباره پدیدارشناسی ذهن هگل)	رامین جهانبگلو	۱۰۰۰
تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (۱) اندیشه‌های مارکسیستی	حسین بشیریه	۲۵۰۰
تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (۲) لیبرالیسم و محافظه‌کاری	حسین بشیریه	۲۰۰۰
تاکور وجدان بشر	رامین جهانبگلو / نجسته کیا	۵۰۰
توس و لوز	سورن کیرکگور / عبدالکریم رشیدیان	۹۵۰
تساهل (در تاریخ اندیشه غرب)	ژولی سادل / زقندرون / عباس باقری	۱۸۰۰
حقیقت‌ها و آزادی	رمون پولن / عباس باقری	۸۰۰
درآمدی بر اندیشه‌ی پیچیده	ادگار مورن / افشین جهاندیده	۹۵۰
راهنمای مقدماتی بر پسانساختارگرایی و پساندرنیسم	محمدرضا تاجیک	۲۲۰۰
سرچشمه‌های دانایی و نادانی	کارل پوپر / عباس باقری	۶۰۰
سرگذشت سوررئالیسم	آندره برتون / عبدالله کوثری	۲۵۰۰
سوز، استهلا و قدرت	پیتر میلو / نیکو سرخوش و افشین جهاندیده	۲۶۰۰
در نگاه هورکهایمر، مارکوزه، هابرماس و فوکو		
سیاست اطاعت، رساله درباره بودگی اختیاری	اتین درلا بوتی / علی معوی	۵۰۰
شوینهاور و نقد عقل کانتی	رامین جهانبگلو / محمد نبوی	۷۵۰
عقل مذکور (مردانگی و زنانگی در فلسفه غرب)	ژنویو لوید / محبوبه مهاجر	۱۳۵۰

نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت (تومان)
علم، شبه علم و علم دروغین	هانری ژری- ارس / دکتر عباس باقری	۷۵۰
علم و جامعه‌شناسی معرفت	مایکل مولر / کجوریان	۸۵۰
علم و اعتقاد	آلبر ژاکار، ژاک لاکاریر / عباس باقری	۱۰۰۰
فیلسوفان بزرگ یونان باستان	لرچاتو ویکریشگر / عباس باقری	۱۴۵۰
قدرت و حاکمیت (در تاریخ اندیشه غرب)	سلین اسپکتور / عباس باقری	۲۲۰۰
گاندی و ریشه‌های فلسفی عدم خشونت	رامین جهانبگلو / هادی اسماعیل‌زاده	۱۸۰۰
گفتگو با بورخس	ریچارد بورجین / کاوه میرعباسی	۳۲۰۰
لویاتان	توماس هابز / حسین بشیریه	۳۹۰۰
مراقبت و تنبیه (تولد زندان)	میشل فوکو / افشین جهانپنده، نیکو سرخوش	۲۸۰۰
مردم سالاری (در تاریخ اندیشه غرب)	برونو برتلردی / عباس باقری	۲۲۰۰
میشل فوکو فراسوی ساختگرایی و هومبولتیک	یل داینوه، هیوبرت دریفوس / حسین بشیریه	۲۲۵۰
نقد قوه حکم	ایمانوئل کانت / عبدالکریم رشیدیان	۳۸۰۰
نقش روشنفکر	ادوارد سعید / حمید عضداتلو	۱۲۰۰
وجدان زندگی (گفتگو با جورج استاینر)	رامین جهانبگلو، پروین ذوالقدری	۱۰۰۰
هگل و اندیشه فلسفی در روسیه (۱۸۳۰-۱۹۱۷)	گی پلاتنی - پونزور / محمدجعفر پورنده	۲۲۰۰
یورگن هابرماس	رابرت هولاب / حسین بشیریه	۱۰۰۰

سیاست • تاریخ سیاسی

از دنیای شهر تا شهر دنیا	سیدمحمد خاتمی	۲۰۰۰
اسرار کودتا (CIA)	حمید احمدی	۱۱۰۰
افغانستان (پنج سال سلطه طالبان)	رحیم مزده	۱۴۰۰
امنیت بین‌الملل	گروه نویسندگان / علیرضا طیب	۱۴۰۰
ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت‌های ایرانی	پرویز مجتهدزاده	۲۵۰۰
برای تاریخ • گفتگو با سعید حجاریان	صادق‌الدین باقی	۲۰۰۰
بنیادهای علم سیاست	عبدالرحمن هالم	۲۰۰۰
بهای آزادی (طغیان محسن کدیور در دادگاه ویژه روحانیت)	زهرا رودی	۹۰۰
تجربه بازی سیاسی در میان ایرانیان	سیدرضا تاجیک	۱۸۰۰

نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت (تومان)
تضاد دولت و ملت (نظریه تاریخ و سیاست در ایران)	محمدعلی همایون کاتوزیان / طبرضا طیب	۲۶۰۰
نوروزیسم	سلسله مقالات / طبرضا طیب	۳۰۰۰
جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران	پروفسور آبراهامیان احمد اشرف، محمدعلی همایون کاتوزیان / محمد ابراهیم کاشی	۱۴۰۰
جهانی شدن، فرهنگ، هویت	احمد گل محمدی	۲۲۰۰
جنبه‌های سیاسی زیباشناسی	فردریکه جی نیومایر / اسحاق قیبه	۷۵۰
جنگ بوش‌ها	اریکه لوران / سوزان میرفندرسکی	۱۵۰۰
چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه اول قرن بیستم	مسعود کوهستانی نژاد	۳۲۰۰
حکومت‌ها و مصلحت‌ها @ گلتگو با هانسی رفسنجانی	مسعود سفیری	۱۰۰۰
حکومت ولایی	محسن کدیور	۲۲۰۰
خاورمیانه (۲۰۰۰ سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز)	برنارد لوئیس / حسن کاشاد	۳۸۰۰
دیروز، امروز و فردای جنبش دانشجویی	مسعود سفیری	۱۰۰۰
سه پاسخ	مسعود سفیری	۷۰۰
سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	روح‌الله رمضانی / طبرضا طیب	۱۶۰۰
فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی	مهدی نوروزی خیابانی	۲۵۰۰
کالبدشکافی خشونت	مسعود سفیری	۱۱۰۰
مقدمت سیاست	استیون تئسی / هرمز همایون پور	۲۵۰۰
موج چهارم	رابین جهانگلو / منصور گودرزی	۳۰۰۰
نظارت بر انتخابات (بسی حلقی پیرامون نظارت استصوابی و قانون انتخابات)	امیرحسین حلینی	۶۵۰
نظریه‌های دولت	اندرو ریننت / حسین بشیریه	۲۰۰۰
نظریه‌های دولت در فقه شیعه	محسن کدیور	۲۰۰۰

ادبیات (شعر، داستان، نمایشنامه، درباره ادبیات)

ادبیات فارسی (از عصر جامی تا روزگار ما)	محمدرضا شهباس کدکنی / حجت‌الله اصیل	۱۰۰۰
اکتاویو باز (گلت‌وگوهای با خولیان ریوس)	خولیان ریوس / کاره میرهباسی	۱۴۰۰
باغ بلور	محسن مخملباف	۷۵۰
بیراه	ژورس کارل اونیسانس / کاره میرهباسی	۱۹۵۰

نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت (تومان)
پسران مجزه	زاکلین رودمن / منصوره حکمی	۹۵۰
تهران زیر پاشنه آشیل	رسول حسین‌لو	۷۵۰
داستانهای کوتاه آمریکای لاکین	روبرتو گونسالس اچه وریا / عبدالله کوثری	۲۰۰۰
دشمنان جامعه سالم	سیدابراهیم نبوی	۶۰۰
دشمنه و سیب گمشده	پرویز رحیمی	۱۱۰۰
دین و ندیدن (گزیده گفتار و نوشتار ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰)	محسن مخملباف	۳۰۰۰
دیوان پروین اعتصامی	ولی‌الله درویدیان	۳۲۰۰
دیوان عمادالدین نسیمی	یدالله جلالی پندری	۳۶۰۰
رؤیای سه‌گانه	احمد پروینچانی	۱۴۰۰
سلام بر خورشید	محسن مخملباف	۲۵۰
شمال و جنوب (دوره ۱ جلدی)	جان جیکس / احمد صدرازی، یونس شکرخواه	۶۰۰۰
عناصر داستانهای علمی تخیلی	گروه نویسندگان / خیام فولادی تالاری	۷۵۰
قدرتهای بی‌صدا (دوره ۲ جلدی)	گونتر نولاو / جواد سیداشرف	۱۵۰۰
قصه کوتوله‌ها و درازها	سیدابراهیم نبوی / رضا هایدینی	۳۰۰۰
گفت‌وگو با مرگ	آرتور کوستر / نصرالله دیهیمی، خشایار دیهیمی	۱۸۰۰
مقایسه داستان گنجی و شاهنامه	کازوکو کوساکابه	۲۵۰۰
مقدمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی (ویرایش دوم)	رنالد آکن نیکلسن / اوتس اوتسیان	۴۹۰۰
میردام	پولا گرکوویت / علی اصغر بهرامی	۹۰۰
میناگر عشق (شرح موضوعی مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد بلخی)	کریم زمانی	۷۵۰۰
نوبت عاشقی	محسن مخملباف	۶۰۰
نویسندگان روس	به سرپرستی خشایار دیهیمی	۸۵۰۰
و نیچه گریه کرد	آروین یالوم / مهشید میرمعزی	۲۹۰۰
یک جفت چشم آبی	تاماس هاردی / ابراهیم یونسی	۲۹۰۰

جامعه‌شناسی • مردم‌شناسی • روانشناسی اجتماعی

ارمانشهر (در اندیشه ایرانی)	حجت‌الله اصیل	۱۵۰۰
آینده کار	جیمز رابرتسون / مهدی الوانی، حسن دتایی	۱۲۰۰

نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت (تومان)
استدلال آماری در جامعه‌شناسی	مولر، شوسلر، کوستر / هوشنگ نایی	۳۲۰۰
افکار عمومی	ژودیت لازار / مرتضی کتبی	۱۴۵۰
اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی	پتر کیویشو / سنجهر صبوری کاشانی	۱۶۰۰
انسان و ادیان	میشل مالرب / مهران نوکلی	۳۰۰۰
انسان‌شناسی سیاسی	کلود ریویر / ناصر نکوهی	۲۸۰۰
بنیادهای نظریه اجتماعی	جیمز کلین / سنجهر صبوری	۱۷۵۰
پیمایش در تحقیقات اجتماعی	دی. ای. د. واس / هوشنگ نایی	۲۸۰۰
تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی	ناصر نکوهی	۳۲۰۰
تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)	آنتونی گیلنز / ناصر موقیان	۲۸۰۰
تغییرات اجتماعی	گی روشه / منصور وثوقی	۱۲۰۰
جامعه‌شناسی	آنتونی گیلنز / سنجهر صبوری	۵۰۰۰
جامعه‌شناسی خودکامگی	علی رضائلی	۱۶۰۰
جامعه‌شناسی سیاسی	حسین بشیریه	۲۰۰۰
جامعه‌شناسی زنان	پاملا آبت، کلر والاس / منیژه نجم عراقی	۲۴۰۰
جامعه‌شناسی نخبه‌کشی	علی رضائلی	۱۴۰۰
جامعه‌شناسی نظم	مسعود چلی	۳۲۰۰
جامعه‌های انسانی	پاتریک تولان، گرهارد لنسکی / ناصر موقیان	۳۵۰۰
جای پای زروان (خدای بغت و تقدیر)	هوشنگ دولت‌آبادی	۹۰۰
حاکمان (مبارزات طبقاتی در شوروی ۱۹۲۰-۱۹۲۱)	شارل بتلهایم / ناصر نکوهی	۲۸۰۰
درآمدی بر انسان‌شناسی	کلود ریویر / ناصر نکوهی	۲۰۰۰
تله‌ای ۲۰۰۰	جان نیزیت، پاتریشیا آبردین / ناصر موقیان	۲۰۰۰
(سیاست، اقتصاد و فرهنگ در قرن بیست و یکم)		
ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی	جوانل شارون / سنجهر صبوری	۲۰۰۰
ذهن بی‌خاتمان (نوسازی و آگاهی)	یوش برگر، بریجیت برگر، هانسفرید کلتر / محمد ساوجی	۲۲۰۰
راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی	دلبرت مبلر / هوشنگ نایی	۴۵۰۰
زن و فرهنگ	گروه مترجمان / محمد میرشکرایی، علیرضا حسن‌زاده	۵۹۰۰
(مقالاتی در بزرگداشت مارگارت مهد)		
سال‌های گورباچف («انقلاب سوم» یا پرسترویکا)	شارل بتلهایم / ناصر نکوهی	۱۸۰۰

Reza.Golshah.com
www.KetabFarsi.com

موج چهارم مجموعه‌ای از مقالات، سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهایی است که به موضوعاتی چون مدرنیته و سنت، خشونت و تساهل و دموکراسی و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها اختصاص یافته است. ولی بخش اصلی کتاب، همانطور که از عنوان کتاب نیز پیداست، به مسئلهٔ روشنفکری در ایران و به ویژه به نسل چهارم روشنفکری توجه دارد. از دیدگاه نویسندهٔ این کتاب سقوط ایدئولوژی کمونیسم و فرایند جهانی شدن از یک سو و فعل و انفعالات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعهٔ ایران از سوی دیگر، جامعهٔ روشنفکری ایران را طی ده سال گذشته دستخوش تغییرات روش‌شناختی و معرفتی مهمی کرده است. بی‌شک اشتباه نیست اگر بگوییم که امروزه صفحه‌ای از تاریخ روشنفکری ایران ورق خورده است و بحث‌هایی چون دموکراسی، سکولاریسم، سنت و مدرنیته و جهانی شدن جایگزین مفاهیمی چون بازگشت به اصل، دیکتاتوری پرولتاریا، انقلاب کارگری و غیره شده‌اند. از این رو، روشنفکران نسل چهارم مسئول تاریخی هستند که خود می‌توانند بازیگران مهم آن باشند. بدین معنا، سرنوشت روشنفکری آنان راهیچ وصیت‌نامه‌ای از پیش تعیین نکرده است.

۳۰۰۰ تومان

ISBN 964-312-651-X



9 789643 126513



نشر نی